

عوامل اصلی و پیشران‌های مؤثر و شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افاق ۱۴۰۷

* خلیل کولیوند^۱، منصور مذهبی^۲، حامد لشگرآرا^۳، علی ستاری‌خواه^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی دفاعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه مدیریت راهبردی، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ دی ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

منطقه جنوب غرب آسیا با تحولات و پویایی‌های جدیدی در دهه‌های اواخر قرن بیست و یکم روبه‌رو بوده است که شناسایی تحولات ایجادشده در این منطقه، نوید شکل‌گیری نظم نوینی را می‌دهد. این نظم نوین بازیگرانی دارد که در شکل‌گیری آن نقش دارند. این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهانه به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل اصلی و نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افاق ۱۴۰۷ است. نوع پژوهش کاربردی با رویکرد آمیخته اکتشافی است. جامعه آماری آن به صورت هدفمند شامل ۱۷ نفر از صاحب‌نظران در حوزه امنیت ملی و روابط بین‌الملل است. با مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه به صورت جلسات ذهن‌انگیزی و توفان فکری، ۴۷ عامل اصلی احصا شدند که در دو بُعد عوامل اصلی پیشین شکل‌دهنده به نظم در منطقه جنوب غرب آسیا و عوامل کنونی شکل‌دهنده به نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا دسته‌بندی شدند. در ضمن ۱۹ نیروی پیشران شکل‌دهنده هندسه نظم نوین منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا تا افاق ۱۴۰۷ شناسایی شدند. صحت‌سنجی عوامل اصلی از طریق آزمون‌های اختصاصی نرم‌افزار SPSS (تک‌نمونه‌ای و ضریب توافقی کندال) انجام و اثرگذارترین پیشران‌ها با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و ماتریس تحلیل اثر متقابل از میان ۱۹ نیروی پیشران شناسایی که شامل طرح معامله بزرگ قرن آمریکا، جنگ روسیه و اوکراین، برقراری راه ابریشم جدید، مناقشه قره‌باغ، تلاش برای حذف ایران از راه‌گذر زنگزور و گسترش ایدئولوژی مقاومت هستند.

کلیدواژه‌ها:

تحلیل اثر متقابل، عوامل اصلی، منطقه جنوب غرب آسیا، نیروی پیشران، هندسه نظم نوین جهانی.

* نویسنده مسئول:

خلیل کولیوند

نشانی:

دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا، تهران، ایران
پست الکترونیک:

k.kouliwand@casu.ac.ir

استناد به این مقاله:

کولیوند، خلیل، مذهبی، منصور، لشگرآرا، حامد، ستاری‌خواه، علی. (۱۴۰۲). عوامل اصلی و پیشران‌های مؤثر و شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افاق ۱۴۰۷. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۲۵)، صص: ۱۱۳-۱۳۸.

۱. مقدمه

با شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، کشورهای پیروز تصمیم گرفتند این امپراتوری را تجزیه و متصرفات عثمانی را به سرزمین‌های خود ملحق کنند. این اقدام زمانی جنبه رسمی به خود گرفت که وزیران خارجه دو کشور استعمارگر انگلستان و فرانسه با عقد قراردادی که به پیمان سایکس - پیکو^۱ معروف شد شرایط سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه را برای تجزیه سرحدات امپراتوری عثمانی به چندین کشور عربی و ترکیه امروزی فراهم کردند. در این قرارداد منطقه خاورمیانه عربی بین سه کشور فرانسه، انگلیس و روسیه تقسیم شد. با امضای این پیمان، بخش‌های شرقی ترکیه به کشور روسیه ملحق شد و فرانسه نیز بخش‌هایی از خاک ترکیه را همراه با نواحی از سوریه و لبنان را مستعمره خود کرد. در این میان، انگلستان قسمت‌های عمده‌ای از عراق و همچنین فلسطین را صاحب شد. فرانسه و انگلیس موافقت کردند متصرفات خاورمیانه‌ای خود را به سرزمین‌های امیرنشین متعددی تبدیل کنند (Kuehn, 2021).

با تقسیم امپراتوری عثمانی به چند کشور پس از جنگ جهانی اول توسط قدرت‌های پیروز غربی در جنگ که منجر به شکل‌گیری ماهیت امروزی غرب آسیا شد، این منطقه همواره با تنش‌ها و چالش‌های فراوانی مواجه بوده است که نیروهای مداخله‌گر غربی نقش برجسته‌ای در این بی‌ثباتی‌ها داشته‌اند. غرب آسیا به‌عنوان منطقه‌ای راهبردی، همواره بستر تنش‌ها و چالش‌های بسیاری بوده است. بررسی تاریخ معاصر نشان می‌دهد که ریشه این تنش‌ها را باید در دو جنگ جهانی و تحولات پس از آن جست‌وجو کرد. زمانی که قدرت‌های غربی تصمیمات سرنوشت‌سازی را بدون حضور کشورهای غرب آسیا گرفتند. پس از پیروزی کشورهای متفق در جنگ جهانی، این کشورها تصمیم گرفتند امپراطوری عثمانی را که «مرد بیمار اروپا» نام گرفته بود، در راستای منافع خود تقسیم و تجزیه کنند. پیمان سایکس - پیکو، پیمان سور^۲ و بیانیه بالفور^۳ و نامه‌های تبادل‌شده بین مک ماهان^۴ و شریف حسین^۵ به‌وضوح اهداف این طرح استعماری را آشکار می‌کند که پیامدشان قراردادهایی است که دهه‌ها بعد بی‌ثباتی و ناامنی را برای منطقه آورد (Kurşun, 2019: 83-104).

1. Sykes-Picot Agreement
2. Reaty of Sèvres
3. Balfour Declaration
4. Mac Mahan
5. Hussein bin Ali al-Hashimi

در طول جنگ سرد، منطقه جنوب غرب آسیا جایگاه خاصی در روابط بین‌الملل برای ایالات متحده داشت. ذخایر غنی نفت و تلاش شوروی برای نفوذ به منطقه آسیای غربی، دلایل اصلی اهمیت آن برای این کشور بود. در منطقه جنوب غرب آسیا، بازیگران به‌گونه‌ای آرایش شدند که عربستان سعودی و ایران به سمت بلوک غرب و آمریکا و سوریه، مصر و عراق به بلوک شرق متمایل شدند. در این میان، اتحاد شوروی اهداف سیاست خارجی خود را با حمایت از جنبش‌های کمونیستی دنبال کرد. این فرایند شکل گرفته رویکرد منازعه‌جویانه‌ای میان این دو ابرقدرت ایجاد کرد که علاوه بر دو دستگی میان کشورهای منطقه، در عمل این کشورها را به تأمین‌کنندگان اهداف، خواسته‌ها و آرمان‌های این دولت‌ها تبدیل کرد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و فضای حاکم بر منطقه از این انقلاب، جریان‌هایی را در سال‌های پس از وقوع انقلاب در منطقه جنوب غرب آسیا و بعضاً جهان ایجاد کرد که آثار و پیامدهای بسیاری هم برای کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و هم برای ابرقدرت‌های شرق و غرب به دنبال داشت.

در این پژوهش با رویکردی آینده‌پژوهانه در پی شناسایی و تبیین عوامل اصلی و پیشران‌های مؤثر شکل‌دهنده به هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ هستیم که برای تحقق این هدف در پی پاسخ به این سه پرسش هستیم:

- کدام عوامل اصلی و نیروهای پیشران به‌عنوان عوامل اصلی و نیروهای پیشران پیشین شکل‌دهنده نظم در منطقه جنوب غرب آسیا هستند؟
- عوامل اصلی و نیروهای پیشران کنونی شکل‌دهنده نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا کدام‌اند؟
- چه عوامل اصلی و پیشران‌هایی نقش مؤثری در شکل‌دهی به هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ داشته‌اند؟

۲. چارچوب نظری

پیروزی انقلاب اسلامی چرخشگاهی برای احیای هویت مذهبی و نفی هرگونه خودباختگی بود و باوری میان ملت‌های مسلمان خلق کرد که انسان می‌تواند سرنوشت خود را با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی و هویت مذهبی تعیین کند. انقلاب اسلامی مهم‌ترین جنبش

سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر بود و با هویت فرهنگ دینی خود، موجب ظهور جنبش‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان شد. انقلاب اسلامی اندیشه و فرهنگ دنیای استعماری و انفعال مسلمانان نسبت به غرب را به چالش کشید و در تضاد با سیستم بین‌الملل، ارزش‌ها و هنجارهایی مطرح کرد که با منافع قدرت‌ها و دولت‌های حامی نظام بین‌الملل در تضاد بود (Kazembeigi, 2013: 251-282).

از جنبه‌های ساختاری و عملکردی آثار فرهنگی انقلاب اسلامی، می‌توان توانمندکردن بازیگران جدید از جمله تمدن اسلامی، جهان اسلام، امت اسلامی، جنبش‌های آزادی‌خواه و ملت‌ها را نام برد. خروج ایران از اردوگاه غربی و رویارویی اساسی با نظام بین‌الملل تأثیر عمیقی بر معادلات منطقه‌ای گذاشت که منجر به جنبش بیداری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب شد. به‌گونه‌ای که بیداری اسلامی از حالت دفاع منفعل خارج و در موقعیت حمله فکری و رفتاری قرار گرفت و به‌شکل جریان‌ها و نهادهای سیاسی و حتی جنبش‌های مقاومت ظاهر شد. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه شروع نظام منطقه‌ای جدید در غرب آسیا دانست. با فروپاشی اتحاد شوروی در دهه ۱۹۹۰، مسئله ظهور قدرت هژمونیک در نظام بین‌الملل بیش از پیش مطرح شد. در این زمینه، ایالات متحده گام‌هایی را برای تقویت این تقاضا با پیشنهاد نظم جهانی جدید برداشت. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و بعد از حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ اولین جلوه‌های اجرای این طرح بود. پس از این تحولات، ایالات متحده می‌کوشید نقش قدرت هژمونیک جهانی را در روابط بین‌الملل داشته باشد و با شعار «دموکراسی و آزادی» پویایی سیاسی و اجتماعی دولت‌ها را در غرب آسیا تغییر دهد (Hajimine and Sabouhi, 2012: 133-99).

پس از معرفی طرح خاورمیانه بزرگ برای اولین بار در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ توسط کالین پاول^۶، حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد که کاخ سفید با هدف تغییر حاکمان سنتی غرب آسیا و ایجاد هویت جدید وارد عمل شد. در این مرحله، آمریکا به‌طور ناگهانی در جهان احساس خطر کرد. در نتیجه، به‌منظور اصلاحات سیاسی و اجتماعی و گسترش و توسعه دموکراسی در منطقه، طرح مورد نظر، مورد توجه جدی آمریکا قرار گرفت. طرح خاورمیانه بزرگ در قالب یک رویکرد سیاسی به‌ظاهر اجتماعی، اما به‌شدت امنیتی در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. پس از ۱۱ سپتامبر، اهداف بلندمدت امنیتی و اقتصادی آمریکا در غرب آسیا با اشغال کشورهای

6. Colin Luther Powell

افغانستان و عراق همراه شد. آمریکا در عراق و افغانستان با مشکلات جدی روبه‌رو شد، اما طرح خاورمیانه بزرگ را در دستور کار قرار داد. شایان توجه اینکه اشراف و اطلاع کافی نداشتن از وضعیت جمعیت‌شناختی و بوم‌شناسی مناطق مورد نظر طرح خاورمیانه بزرگ، تأثیر بسزایی بر سرنوشت این طرح گذاشت تا جایی که مردم جهان عرب در سال ۲۰۱۰ تحت تأثیر «بیداری اسلامی» یا به تعبیر آمریکایی «بهار عربی» به صحنه آمدند (Matta, 2019: 231-258).

وقوع جنبش‌های خیابانی و انقلاب‌های مردم‌نهاد در اواخر سال ۲۰۱۰ در کشورهای عربی با حاکمان ظلم‌پیشه و ستمگر که به‌عنوان متحدان راهبردی واشینگتن به حساب می‌آمدند، موقعیت آمریکا را با شرایط و تغییرات جدی در منطقه جنوب غرب آسیا مواجه کرد. این شرایط و تحولات مصادف با رویارویی مردم با دولت‌ها و تحول در نظم منطقه‌ای همراه بود که منافع راهبردی ایالات متحده را در منطقه به چالش کشید و مقامات واشینگتن را مجبور به راهبردسازی جدیدی کرد. با نگاهی به تاریخ معاصر غرب آسیا و نظم‌های شکل‌گرفته در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم، یکی از ویژگی‌های اصلی این نظم‌ها را می‌توان حضور مداخله‌جویانه قدرت‌های غربی در سرزمین‌های این منطقه بیان کرد. در این دوره، قدرت‌های غربی تصمیمات سرنوشت‌سازی برای منطقه، بدون حضور کشورهای منطقه گرفتند. حضور قدرت‌ها پس از جنگ جهانی دوم در مرزبندی غرب آسیا ده‌ها سال تنش، ناامنی و بحران را در منطقه ایجاد کرد. از میان‌علت‌های مختلفی که می‌توان در توصیف بحران‌های غرب آسیا بیان کرد، مداخله قدرت‌های استعماری بدون شک، مهم‌تر و مؤثرتر از سایر عوامل خواهد بود. این مداخلات امکان آموزش سیاسی مشارکت مردم و ایجاد همکاری برای توسعه در نهادهای حاکم بر منطقه را از بین برد و آن‌ها را مجبور به حرکت در چارچوب سیاست‌های قدرت‌های بزرگ کرد (Shemshadi, 2013: 111-126).

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قدرت فرامنطقه‌ای در غرب آسیا، آمریکا است. جنگ سرد تاریخ آغازین مداخلات این کشور در منطقه جنوب غرب آسیا است. توافقات نظامی و امنیتی با نظام سلطنتی و پادشاهی ایران، نظام پادشاهی عربستان، بحرین، قطر و دولت ترکیه در زمینه حضور نظامی این کشور بستری را فراهم کرده بود که به‌عنوان نبردی همه‌جانبه با مارکسیسم و اتحاد شوروی تعبیر شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و هم‌زمان با اشتباه راهبردی صدام در اشغال کویت در سال ۱۹۹۱ راه برای بازگشت این کشور به منطقه هموار شد. با توجه به حملات ۱۱ سپتامبر و اشغال دو کشور افغانستان و عراق، حضور این کشور در منطقه حتی بیشتر نیز شد. پس از

اشغال عراق، ایالات متحده تلاش کرد نظم غرب آسیا را در جهت منافع خود و متحد راهبردی آن یعنی اسرائیل پیش ببرد و بر اساس این راهبرد مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ به آن‌ها تحمیل کرد (Doustmohammadi and Al Ghaban, 2014: 109-130).

کاهش نقش دین در فرهنگ اجتماعی و سیاسی کشورهای منطقه، موضوع دیگری است که هم‌زمان با شکل‌گیری و تسلط مدرنیته در غرب، بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام را در دهه‌های اخیر به هم پیوند زده است. این متفکران با پیشنهاد ایده‌های جدید و ایستادگی در برابر سکولاریسم به‌عنوان یک پدیده غربی و نیز در برابر استعمار کشورهای غربی، به تقویت باورهای دینی پرداختند. البته برخی متفکران دیگر می‌خواستند در جهت مدرنیته غربی حرکت کنند. بر این اساس، در دهه‌های اخیر، روشنفکران بر علیه و به نفع سکولاریسم تلاش‌هایی برای رهایی از استعمار غربی، عقب‌ماندگی و بهبود وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان انجام داده‌اند. با شکل‌گیری و تقویت روندهای سکولاریسم در مناطق مختلف جهان، از جمله غرب، از نیمه دوم قرن بیستم برخی متفکران اسلامی با این پدیده مواجه شدند (Gohari Moghadam and Bashiri Lahaghi, 2016: 71-98).

تقریباً از اواخر قرن نوزدهم به بعد، بحث میان علمای دینی و برخی روشنفکران در مورد جدایی دین از سیاست و اسلام منهای سیاست تشدید شد. این بحث در دهه‌های اخیر نیز همچنان ادامه دارد و در حال افزایش است. تلاش برای دین‌زدایی از حوزه سیاسی و اجتماعی در غرب آسیا از زمان انقلاب اسلامی ایران و حتی چند دهه بعد از آن توسط بیشتر کشورهای منطقه پیگیری شده است. به همین دلیل، می‌توان آن را یکی از نیروهای پیشران اساسی نظم منطقه‌ای پیشین در نظر گرفت. این تحولات به دنبال این بود که در سایه امواج انقلاب اسلامی ایران، روند سکولاریزاسیون جوامع غرب آسیا که از سوی هر دو سطح حکومت و اجتماع پیگیری می‌شد با چالشی جدی مواجه شود، زیرا نیروهای مختلف از این کشورها برخاسته بودند که خواستار بازگشت دین به عرصه اجتماعی و سیاسی در کشورهای خود با حمایت اجتماعی گسترده بودند. بیداری اسلامی که پس از خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس آغاز شد، به زودی امواج خود را به دیگر کشورهای مسلمان ساکن منطقه گسترش داد و بحث بر سر مذهب‌گرایی را در عرصه سیاسی و اجتماعی تشدید کرد (Anderson, 2020).

درگیری‌های فرقه‌ای غرب آسیا نتیجه مشکلات ساختاری و داخلی منطقه از و مداخلات

قدرت‌های خارجی از است. نباید فراموش کنیم اگرچه کشورهای غرب آسیا از برخی مشکلات داخلی در مرزهای خود و در ارتباط با سایر کشورهای منطقه رنج می‌برند، نباید نقش قدرت‌های غربی را در دامن‌زدن به این درگیری‌ها نادیده بگیریم. به بیان دیگر، این قدرت‌های مداخله‌گر غربی، بدون در نظر گرفتن ملاحظات داخلی، معماری غرب آسیا را پس از پایان جنگ جهانی اول و با دامن‌زدن به درگیری‌های فرقه‌ای و فرسایشی بازطراحی کردند. آن‌ها منطقه را تضعیف کردند و در نتیجه، توانستند منافع پیروان خود را در منطقه به دست آورند. این اتفاق در حالی رخ داد که بیشتر ساکنان منطقه پیروی دین اسلام هستند و اشتراک‌های مذهبی کافی برای اتحاد و همبستگی دارند. از سوی دیگر، قبیله‌گرایی یکی از مهم‌ترین موانع تشکیل دولت‌های مقتدر در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا بوده است. در میان ملت‌های منطقه جنوب غرب آسیا، تعلقات مذهبی و قبیله‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل جوامع بشری به‌شمار می‌رود. قبیله‌گرایی افراطی سبب تضعیف هرچه بیشتر حکومت‌های مستقر شده است؛ در نتیجه، امکان دخالت قدرت‌های خارجی در امور این کشورها فراهم می‌شود. نوعی چرخه بین قبیله‌گرایی و دخالت قدرت‌های غربی ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور تروریست‌هایی مانند داعش در غرب آسیا، سرنگونی دولت صدام حسین است که صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن این اقدام، منجر به ایجاد دولتی ضعیف در این کشور شد (Abdolhiyan and Boroujerdi, 2023: 95-116). به‌طور کلی نظم منطقه‌ای غرب آسیا از منظر مکتب کپنهاگ را این‌گونه می‌توانیم توصیف کنیم که ویژگی‌های اصلی نظم منطقه‌ای در غرب آسیا از زمان ظهور نظام دولت-ملت پیشرفته تا سال ۲۰۱۱ به‌عنوان نظامی دولت‌محور با یک نیروی پیشران قوی اقتدارگرا و نظامی‌گرا ترسیم کنیم (Del Sarto et al, 2019). در منطقه غرب آسیا، چهار عامل، بروز و تداوم نظم منطقه‌ای را با مشکلات جدی مواجه کرده است:

- تهدیدات امنیتی داخلی دولت‌ها و افزایش احساس ناامنی؛

- بلندپروازی و ماجراجویی دولت‌های منطقه و مداخله آن‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر؛

- رویکرد قدرت‌های خارجی و به‌طور مشخص آمریکا به منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت هژمون منطقه‌ای و حتی ظهور قدرت‌های منطقه‌ای؛

- رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای در داخل منطقه و همگرانی آن‌ها (Ghahramanpour, 2019: 35).

۳. تعاریف و اصطلاحات

نظم منطقه‌ای^۷: مالوینگ و همکارانش نظم منطقه‌ای را این‌گونه تعریف کرده‌اند: نظم منطقه‌ای مجموعه‌ای از واحدهای جغرافیایی است که از واحدهای سیاسی مبتنی بر سرزمین تشکیل شده است که تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر امنیت در سطح بالا و پایداری آن‌ها را به هم پیوند زده است (Malvig et al, 2016: 33-55).

منطقه جنوب غرب آسیا: منطقه‌ای که شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس است. این منطقه در جنوب خاوری اروپا، جنوب باختری آسیا و شمال آفریقا قرار دارد. غرب آسیا بخشی از آفریقا و اوراسیا یا به‌طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی موارد، جزئی از آفریقای شمالی را در برمی‌گیرد. این ناحیه گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی مانند فرهنگ‌های ایرانی، عربی، بربرها، ترک‌ها، کردها، یهودی‌ها و آسوری‌ها را در خود جای داده است. زبان‌های اصلی این منطقه فارسی، عربی، ترکی، کردی، عبری و آسوری است (Asadi, 2017: 52-27).

پیشران^۸: ساده‌ترین و شیواترین تعریف پیشران، نیروهای بزرگ تغییر است. پیشران‌های نیرومندی هستند که بر پیامد رویدادها تأثیر دارند. به بیانی، عناصری که سبب حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (Schwartz, 2012: 226). پیشران این ظرفیت را دارد که صحنه را با تحولی اساسی روبه‌رو کند. پیشران‌ها از دو جهت برای ما اهمیت دارند: از یک‌سو، در مقام توصیف، آینده را بر مبنای آن‌ها توصیف می‌کنیم و از سوی دیگر، در مقام تجویز و مبتنی بر پیشران‌ها، آینده را مطابق با میل خود تغییر می‌دهیم (Pedram and Zali, 2017).

۴. پیشینه پژوهش

مطابق با بررسی‌های انجام‌شده در منابع پژوهشی و در پایگاه‌های اطلاعاتی و نشریات معتبر علمی خارجی و داخلی، مواردی درباره موضوعاتی که به‌نوعی با این پژوهش مرتبط بوده‌اند، شناسایی شد، اما این منابع همه عوامل اصلی^۹ و نیروهای پیشران پژوهش حاضر را با هم

7. Regional order
8. Driving Forces
9. Key Factor

بررسی نکرده‌اند و در آن‌ها فقط به برخی از مؤلفه‌های مدنظر ما در این پژوهش توجه شده است که در ادامه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها را بیان می‌کنیم. لویمی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش «تحلیل نقش نظم نوین جهانی در خاورمیانه» با تشریح ابعاد مختلف نظم نوین جهانی، فرضیه‌ای مطرح می‌کنند که کاربست سیاست نظم نوین جهانی پس از جنگ سرد توسط ایالات متحده سبب گسترش نفوذ آمریکا در خاورمیانه شده است. صلاحی (۲۰۱۹) در پژوهش «حوزه‌های تقابل جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم نوین بین‌المللی» می‌گوید با تحلیل اهداف آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که این تقابل در سه حوزه راهبردی، اقتصادی و فرهنگی جریان داشته و بی‌تردید پیروزی آمریکا در آن منجر به هژمونی جهانی این کشور و شکست در آن منجر به ظهور قطب بزرگ قدرت اسلامی و شکل‌گیری نظام چند قطبی در جهان می‌شود.

ضیاء و ستوده (۲۰۱۸) در پژوهش «راهبرد آمریکا و نظم منطقه‌ای خاورمیانه: از هژمونی کلاسیک تا هژمونی ملایم» می‌گویند خاورمیانه با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود و همچنین برخورداری از منابع عظیم انرژی، در طول تاریخ همواره کانون توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. این شرایط سبب شده است آمریکا توجه ویژه‌ای به این منطقه داشته باشد و در ابعاد مختلف، راهبردهای نوین خود را پیگیری کند. این نوشتار همچنین، این یافته‌ها را ارائه می‌کند که راهبرد نوین ایالات متحده آمریکا مبتنی بر همکاری با حداقل منافع مشترک کشورهای منطقه خاورمیانه است و در فضای منطقه و جهان، در پی ایجاد مشروعیت و رضایت برای اقدامات ساختار شکنانه خود است.

جلالی و مجد (۲۰۱۷) در پژوهش «نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰» مطرح می‌کنند تغییراتی که در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ روی داد، تأثیری عمده بر جغرافیای سیاسی جهان و سیستم بین‌الملل داشته است. این تغییرات سبب فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد کشورهای جدیدی در نقشه جغرافیایی جهان شد. با فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد، نظم جهانی متحول و تفکر نظم نوین جهانی ایجاد شد. موفقیت نسبی ایالات متحده در جنگ اول خلیج فارس، بهترین فرصت را برای این کشور فراهم کرد که به صورت یک‌جانبه در راستای حفظ منافع خود در خاورمیانه و تحقق ایده نظم نوین جهانی گام بردارد. با توجه به بررسی پیشینه پژوهش که بخشی از آن در بالا آمد، نکات زیر را به صورت خلاصه بیان می‌کنیم:

- توجه ویژه پژوهش‌ها و مقالات به اهمیت نظم نوین جهانی و نظم نوین منطقه‌ای با توجه به مقوله‌های روابط بین‌الملل و پویایی محیط جوامع امروزی؛

- اهمیت نگاه هدف‌مند به هندسه نظم نوین جهانی با در نظر گرفتن تمامی عوامل مرتبط با آن؛

موارد زیر را می‌توان به عنوان ضرورت‌های انجام این پژوهش برشمرد:

- توجه به تهدیدها و فرصت‌های مطرح در حوزه نظم نوین جهانی با توجه به رویکرد تحولات منطقه‌ای و جهانی رخ داده شده در این حوزه؛

- شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری نظم نوین جهانی متأثر از تحولات منطقه جنوب غرب آسیا.

۵. روش‌شناسی

روش این پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد آمیخته اکتشافی است و جامعه آماری این پژوهش به صورت هدف‌مند شامل ۱۷ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه امنیت ملی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های تهران و عالی دفاع ملی است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی انجام شد. نتیجه مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها استخراج ۴۷ عامل اصلی و نیروی پیشران بود که در دو بُعد عوامل اصلی و نیروهای پیشران پیشین شکل دهنده نظم در منطقه جنوب غرب آسیا و عوامل اصلی و نیروهای پیشران کنونی شکل دهنده نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا دسته‌بندی شدند. همچنین ۱۹ نیروی پیشران کنونی شکل دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ شناسایی شد. صحت‌سنجی عوامل اصلی و نیروهای پیشران با آزمون‌های اختصاصی نرم‌افزار SPSS (t تک‌نمونه‌ای و ضریب توافقی کندال) انجام و اثرگذارترین پیشران‌ها با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و ماتریس تحلیل اثر متقابل از بین ۱۹ نیروی پیشران شناسایی شد.

۶. یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها

در مرحله مطالعات کتابخانه‌ای پس از انجام مصاحبه‌ها، تعداد ۴۷ عامل اصلی که ۲۴ مورد آن‌ها مربوط به عوامل اصلی گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا و ۲۳ مورد آن‌ها مربوط به عوامل اصلی شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا هستند در جدول ۱ لیست شده‌اند.

جدول ۱. دسته‌بندی عوامل اصلی اثرگذار بر موضوع پژوهش

عنوان نیروهای پیشران	عوامل اصلی احصاشده
<p>نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا</p>	<p>۱. حضور مداخله‌جویانه کشورهای غربی در منطقه، ۲. اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز از سوی دولت‌های غربی بدون حضور کشورهای منطقه، ۳. نقش قدرت‌های پیروز جنگ‌های جهانی در مرزبندی‌های غرب آسیا، ۴. ایجاد زمینه‌های سال‌ها تنش، ناامنی و بحران در منطقه، ۵. جلوگیری از مشارکت سیاسی و ساختارمندانه مردم در مناسبات ملی، ۶. قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و رژیم پیشین ایران، ۷. اشتباه راهبردی صدام در اشغال کویت، ۸. فروپاشی اتحاد شوروی، ۹. حملات یازده سپتامبر و به‌دنبال آن اشغال دو کشور افغانستان و عراق، ۱۰. نقش مخرب آمریکا در پروسه‌های سیاسی کشورهای منطقه، ۱۱. تبلیغ ایران‌هراسی و ایران‌هست‌های از سوی غرب، ۱۲. خریدهای سنگین تسلیحاتی کشورهای عربی از کشورهای بیگانه، ۱۳. تبلیغ سکولاریسم از سوی غرب در میان کشورهای منطقه، ۱۴. تبلیغ فرهنگ جدایی دین از سیاست، ۱۵. درگیری‌ها و منازعات فرقه‌ای، ۱۶. حذف طایفه‌گرایی در میان طوایف و قبایل کشورهای منطقه، ۱۷. بحران‌های قومی، مذهبی و طبقاتی، ۱۸. پادشاهی‌های خودکامه و مستبد در منطقه، ۱۹. تمرکز قدرت و ثروت در دست خاندان حاکم، نهادها و احزاب خاص، ۲۰. نخبگان وابسته به قدرت، ۲۱. حمایت از دولت‌های توتالیته و مستبد در منطقه، ۲۲. ترویج فرهنگ جهانی‌شدن، ۲۳. ترویج بنیادگرایی سلفی، ۲۴. تبدیل کردن منطقه جنوب غرب آسیا به بازار فروش محصولات کشورهای استعمارگر</p>
<p>نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در جنوب غرب آسیا</p>	<p>۱. مقابله با سیاست‌های مداخله‌جویانه قدرت‌های غربی در امور ملت‌های منطقه، ۲. کاهش نفوذ ابرقدرت‌ها در کشورهای منطقه، ۳. شکل‌گیری داعش و در ادامه فروپاشی آن، ۴. شکست عربستان در حمله به یمن، ۵. ایجاد ناامنی برای اعضای محور مقاومت، ۶. تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه، ۷. شکست داعش و گروه‌های جهادی در سوریه و عراق، ۸. افزایش تمایل به اسلام‌گرایی در منطقه، ۹. تشکیل گفتمان‌های معتقد به اسلام در منطقه، ۱۰. افزایش فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا در منطقه، ۱۱. مقابله محور مقاومت با گروهک تروریستی تکفیری داعش، ۱۲. شکل‌گیری بسیج‌های سیاسی و اجتماعی در منطقه با محوریت محور مقاومت، ۱۳. حرکت حکومت‌های منطقه به سمت مردم‌سالاری، ۱۴. افزایش آگاهی مدنی ملت‌های منطقه، ۱۵. گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی، ۱۶. گسترش نفوذ حکومت‌ها در ژئوپلیتیک منطقه، ۱۷. ترویج راهبرد مقاومت فعال در کشورهای منطقه، ۱۸. شکل‌گیری جنبش‌های مردمی علیه حاکمان جورپیشه، ۱۹. شکست جریان‌های تروریستی و تکفیری با محوریت ایران، ۲۰. عدم توفیق نیروهای مداخله‌گر در خاموش کردن فتنه گروهک‌های تروریستی تکفیری در منطقه، ۲۱. تجربه بالای ایران در مقابله با گروهک‌ها و جریانات برانداز طی چهل سال گذشته، ۲۲. بی‌نتیجه‌ماندن تلاش‌های آمریکا در منطقه، ۲۳. شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس.</p>

در ادامه و برای شناسایی نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ با برگزاری جلسات ذهن‌انگیزی و توفان فکری با خبرگان و

کارشناسان این حوزه در دو جلسه توفان فکری شامل یک جلسه ۷ نفره و یک جلسه ۹ نفره از کارشناسان مدنظر پژوهش، تعداد ۱۹ نیروی پیشران مؤثر شناسایی و احصا شد که در جدول ۲ لیست شده‌اند.

جدول ۲. نیروهای پیشران مؤثر شکل دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷

عنوان نیروهای پیشران	عوامل اصلی احصاشده
پیشران‌های مؤثر شکل دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷	<ol style="list-style-type: none"> ۱. طرح معامله بزرگ قرن از سوی آمریکا، ۲. خروج آمریکا از افغانستان، ۳. جنگ روسیه و اوکراین، ۴. اتحاد اسرائیل و دولت‌های عربی، ۵. مناقشه قره‌باغ، ۶. موازنه‌سازی عربستان در سطح منطقه خاورمیانه، ۷. تلاش در حذف ایران از راه‌گذر زنگزور، ۷. مشکلات اقتصادی آمریکا، ۹. اشتباه محاسباتی آمریکا در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق، ۱۰. قلمروگستری اسرائیل در کشورهای همسایه غربی ایران، ۱۱. ظهور قدرت‌های نوین و افزایش چندقطبی در جهان، ۱۲. گسترش ایدئولوژی مقاومت، ۱۳. غروب هژمونی آمریکا در غرب آسیا، ۱۴. تلاش‌های عربستان در دستیابی به‌عنوان قدرت برتر منطقه‌ای، ۱۵. برتری جویی نرم عربستان در جهان عرب، ۱۶. برقراری راه ابریشم جدید، ۱۷. عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ۱۸. ائتلاف قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر، ۱۹. پیاده‌کردن ایده آشوب خلاقانه توسط واشینگتن و تل آویو.

با توجه به عوامل اصلی و نیروهای پیشران استخراج‌شده به‌منظور صحت‌سنجی و تأیید نظرات خبرگان با توزیع پرسش‌نامه در جامعه آماری مورد نظر عوامل اصلی و نیروهای پیشران شناسایی و صحت‌سنجی شدند. برای این منظور اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل شد. در بخش آمار توصیفی از سنج‌های آماری مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده شد تا به توصیف داده‌های استخراج‌شده، پرداخته شود. در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و ضریب توافقی کندال به‌صورت مقیاس پنج گزینه‌ای (ارزشی) طیف لیکرت استفاده شد.

اطلاعات و آمارهای جمعیت‌شناختی مربوط به خبرگان استفاده‌شده در پژوهش

اطلاعات و داده‌های مربوط به آمارهای جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان در جدول‌های ۳ تا ۵ ارائه می‌شود. توزیع فراوانی مربوط به پیشینه خدمتی افراد جامعه نمونه خبرگان در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی مربوط به پیشینه خدمتی افراد جامعه نمونه

میزان سن خدمتی	فراوانی	درصد فراوانی
۶ تا ۱۲ سال	۱	۵/۸۸
۱۲ تا ۱۸ سال	۲	۱۱/۷۶
۱۸ تا ۲۴ سال	۹	۵۲/۹۴
۲۴ سال به بالا	۵	۲۹/۴۲
جمع	۱۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۸۲/۳۶ درصد حجم جامعه نمونه خبرگان پیشینه خدمتی بیش از ۱۸ سال دارند که نشان دهنده بالابودن تجربه درک بهتر سؤالات و پاسخ‌گویی مناسب به آن‌ها است. میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
فوق دیپلم	۰	۰
کارشناس	۱	۵/۸۸
کارشناس ارشد	۷	۴۱/۱۸
دکتر	۹	۵۲/۹۴
جمع	۱۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۹۳/۶۷ درصد از جامعه نمونه حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد دارند که نشان دهنده بالابودن میزان تحصیلات و دانش تخصصی بالا برای درک بهتر پرسش‌ها و پاسخ‌گویی مناسب به آن‌ها است. فراوانی، درصد فراوانی و میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع پژوهش در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع پژوهش

میزان آشنایی	فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۰	۰
کم	۱	۵/۸۸
متوسط	۳	۱۷/۶۴
زیاد	۸	۴۷/۰۵
خیلی زیاد	۵	۲۹/۴۳
جمع	۱۷	۱۰۰

فراوانی و درصد توزیع فراوانی داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که آشنایی حداقل ۷۶/۴۸ درصد از جامعه نمونه خبرگان با موضوع تحقیق زیاد و خیلی زیاد هست که نشان دهنده بالابودن میزان آگاهی برای درک بهتر پرسش‌ها و پاسخ‌گویی مناسب به آن‌ها است.

تحلیل‌های آماری با آزمون‌های نرم‌افزار SPSS (تک نمونه‌ای و ضریب توافقی کندال)

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های شناسایی شده به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای

عنوان	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t	سطح معناداری
نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا	۴/۰۱	۰/۵۹۱	۰/۶۱۳	۱۸/۹۴	۰/۰۰۱
نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا	۴/۱۱	۰/۶۰۲	۰/۵۸۹	۱۸/۰۷	۰/۰۰۱
نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷	۴/۳۱	۰/۶۲۳	۰/۴۶۸	۱۹/۰۶	۰/۰۰۱

بررسی داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که:

- با اجرای آزمون در خصوص نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا نرم‌افزار میانگین ۴/۰۱ را نشان می‌دهد که با میانگین فرضی، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت معناداری وجود ندارد ($p\text{-value} = 0.00 < a = 0.001$) بنابراین می‌توان استنباط کرد که نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا از معناداری و اعتبار لازم برخوردار هستند.

- بعد از اجرای آزمون در خصوص نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا نرم‌افزار میانگین ۴/۱۱ را نشان داد که با میانگین فرضی، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت معناداری وجود ندارد ($p\text{-value} = 0.00 < a = 0.001$). بنابراین می‌توان استنباط کرد که نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا از معناداری و اعتبار کافی برخوردار هستند.

- با اجرای آزمون در خصوص عوامل اصلی مربوط به نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ نرم‌افزار میانگین ۴/۳۱ را نشان داد که با میانگین فرضی، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت معناداری وجود ندارد ($p\text{-value} = 0.00 < a = 0.001$)؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ از معناداری و اعتبار لازم برخوردارند. برای بررسی روایی و پایایی نیروهای پیشران شناسایی شده از ضریب توافقی کندال و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج محاسبات در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. محاسبه روایی و پایایی نیروهای پیشران شناسایی شده با استفاده از ضریب توافقی کندال و آزمون آلفای کرونباخ

عنوان نیروهای پیشران	تعداد افراد	ضریب توافقی کندال	ضریب خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری SIG
نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم در منطقه جنوب غرب آسیا	۱۷	۰/۱۶۹	۱۱۹۳/۲۴۵	۱۰۳	۰/۰۰۰
نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا	۱۷	۰/۱۵۹	۱۰۱۷/۶۸۳	۱۰۳	۰/۰۰۰
نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷	۱۷	۰/۱۷۶	۱۰۸۶/۱۲۵	۱۰۳	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۷ مشخص است که با بیش از ۹۹ درصد اطمینان میان مصاحبه‌شوندگان که شامل خبرگان و صاحب‌نظران در رابطه با موضوع پژوهش بود در روایی عوامل اصلی و نیروهای پیشران احصاشده، توافق حاصل شده است، با توجه به ($P < 0/001$) و ضریب‌های خی دو به‌دست آمده، بنابراین عوامل اصلی و نیروهای پیشران احصاشده روایی محتوایی لازم را دارند. در خصوص پایایی عوامل اصلی و نیروهای پیشران نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و کسب نظرات خبرگان نتایج به‌صورت جدول ۸ است.

جدول ۸. محاسبه پایایی مؤلفه‌های احصاشده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ

عنوان نیروهای پیشران	تعداد مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ
نیروهای پیشران گذشته مؤثر در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا	۲۴	۰/۹۱۵
نیروهای پیشران شکل‌دهنده نظم نوین کنونی در منطقه جنوب غرب آسیا	۲۳	۰/۸۹۶
نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷	۱۹	۰/۹۰۵

با توجه به نتیجه پایایی مقیاس که به‌وسیله آلفای کرونباخ به‌دست آمد، مشخص شد مقیاس مورد نظر ضریب آلفای بیش از ۰/۷ دارد. در نتیجه، این عوامل اصلی و نیروهای پیشران شرایط پایایی را برای پایابودن دارند. همچنین با مشاهده ضریب همبستگی به‌دست آمده میان عوامل اصلی و نیروهای پیشران احصاشده، معلوم می‌شود که تمامی عوامل اصلی و نیروهای پیشران از شرایط مناسب برای گرفتن پایایی برخوردارند.

شناسایی مؤثرترین نیروهای پیشران از بین ۱۹ نیروی پیشران احصاشده

آینده‌پژوهی روشهای مختلفی دارد که عموماً مطالعات آن با ترکیب روشها انجام می‌شود. این پژوهش با ترکیب روش‌های مرور منابع، پنل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع^{۱۰} انجام شده است. در دهه گذشته شیوه تحلیل اثرات متقابل و ماتریسی در آینده‌پژوهی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده و با عنوان تحلیل ساختاری^{۱۱} در پژوهشهای فراوانی استفاده شده است (Moulaei

10. Cross Impact Analysis (CIA)

11. Structural Analysis

8: and Talebian, 2014). پیشفرض استفاده از این شیوه تحلیل این است که بیشتر وقایع و تحولات به شکلی مرتبط با سایر وقایع و مسائل هستند. روش تحلیل ساختاری بر این سؤال بنا نهاده شده است که «آیا پیشبینی آینده میتواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاق‌های آینده بر یکدیگر باشد؟» (Gordon, 1994:12).

برای شروع کار ابتدا نیروهای پیشران شناسایی شده در یک ماتریس متقاطع ثبت و در اختیار خبرگان قرار گرفت. سپس از خبرگان خواسته شد تا بر اساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر نیروی پیشران، امتیازی به آن در این ماتریس اختصاص بدهند که میزان اثرگذاری و اثرپذیری متقابل آن‌ها را در چهار سطح ۰، ۱، ۲ و ۳ خبرگان مربوط ارزیابی کردند. میزان تأثیر عدد ۰ به معنی بی تأثیر، ۱ به معنی تأثیر کم، ۲ به معنی تأثیر متوسط و ۳ به معنی تأثیر زیاد است. برای شروع کار با نرم‌افزار، ابتدا داده‌ها به‌عنوان متغیرهای مورد نظر در نرم افزار ثبت شد (شکل ۱).

N°	Long label	Short label
۱	جنگ روسیه و اوکراین	A
۲	ظهور قدرت‌های نوین و افزایش چندقطبی در جهان	B
۳	خروج آمریکا از افغانستان	C
۴	مشکلات اقتصادی آمریکا	D
۵	اشتباه محاسباتی آمریکا در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق	E
۶	اتلاف قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر	F
۷	تلاش در حذف ایران از مسیر کریدور زنگزور	G
۸	عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای	H
۹	اتحاد اسرائیل و دول عربی	I
۱۰	موازنه سازی عربستان در سطح منطقه خاورمیانه	J
۱۱	طرح معامله بزرگ قرن از سوی آمریکا	K
۱۲	قلمروگستری اسرائیل در کشورهای همسایه غربی ایران	L
۱۳	پیاده‌سازی ایده آشوب خلافتان توسط واشنگتن و تل آویو	M
۱۴	برتری جویی نرم عربستان در جهان عرب	N
۱۵	تلاش‌های عربستان در دستیابی به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای	O
۱۶	برقراری راه ابریشم جدید	P
۱۷	غروب هژمونی آمریکا در غرب آسیا	Q
۱۸	گسترش ایدئولوژی مقاومت	R
۱۹	مناقشه قره‌باغ	S

شکل ۱. ثبت نیروهای پیشران در نرم‌افزار میک‌مک

امتیازهای تخصیص داده شده به نیروهای پیشران براساس نظر خبرگان در ماتریس اثر متقابل مندرج در نرم افزار میک مک در شکل ۲ نشان داده شده است.

	۱: A	۲: B	۳: C	۴: D	۵: E	۶: F	۷: G	۸: H	۹: I	۱۰: J	۱۱: K	۱۲: L	۱۳: M	۱۴: N	۱۵: O	۱۶: P	۱۷: Q	۱۸: R	۱۹: S
۱: جنگ روسیه و اوکراین:	۰	۳	۱	۲	۲	۲	۳	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۲	۱	۲	۲
۲: ظهور قدرت های نوین و افزایش چندقطبی در جهان:	۱	۰	۰	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۱	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۱	۲
۳: خروج آمریکا از افغانستان:	۲	۰	۰	۲	۱	۳	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۲
۴: مشکلات اقتصادی آمریکا:	۳	۰	۰	۲	۱	۲	۱	۳	۲	۳	۱	۳	۱	۱	۲	۲	۳	۲	۲
۵: اشتباه محاسباتی آمریکا در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق:	۲	۰	۳	۰	۰	۲	۱	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۲
۶: ائتلاف قدرت های منطقه ای با همدیگر:	۱	۲	۰	۱	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۳	۲
۷: تلاش در حذف ایران از مسیر کریدور زنگرور:	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۰	۱	۳	۲	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۲	۳
۸: عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای:	۰	۳	۱	۰	۱	۱	۲	۰	۱	۱	۱	۲	۳	۳	۱	۲	۱	۱	۲
۹: اتحاد اسرائیل و دول عربی:	۲	۳	۲	۰	۲	۱	۳	۲	۰	۱	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۳	۲	۱
۱۰: موازنه سازی عربستان در سطح منطقه خاورمیانه:	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۳	۰	۲	۳	۲	۲	۰	۳	۲	۲	۳
۱۱: طرح معامله بزرگ قرن از سوی آمریکا:	۰	۱	۲	۲	۳	۳	۳	۲	۱	۰	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳
۱۲: قلمروگستری اسرائیل در کشورهای همسایه غربی ایران:	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۳	۰	۲	۱	۱
۱۳: پیاده سازی ایده آشوب خلافتانه توسط واشنگتن و تل آویو:	۱	۳	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۳	۲	۱	۱	۲	۳
۱۴: برتری جویبی نرم عربستان در جهان عرب:	۱	۱	۰	۲	۱	۳	۳	۲	۱	۱	۲	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۳	۲
۱۵: تلاش های عربستان در دستیابی به عنوان قدرت برتر منطقه ای:	۳	۱	۰	۰	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۱	۲	۳	۲	۰	۱	۱	۲	۲
۱۶: برقراری راه ابریشم جدید:	۳	۰	۲	۰	۲	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۰	۲	۳	۱
۱۷: غروب هژمونی آمریکا در غرب آسیا:	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۰	۲	۱	۲	۱	۰	۳	۰	۲	۱
۱۸: گسترش ایدئولوژی مقاومت:	۱	۳	۲	۱	۱	۳	۲	۲	۲	۳	۲	۲	۳	۲	۰	۳	۳	۰	۲
۱۹: مناقشه قره باغ:	۲	۳	۱	۰	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۱	۳	۳	۰	۱	۲	۱	۳	۰

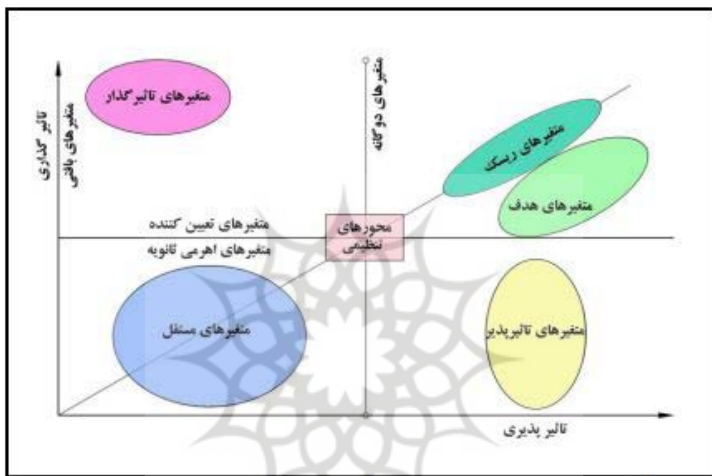
© UNISOR EPIKA ANCHAM

شکل ۲. نمرات اختصاص داده شده به نیروهای پیشران در ماتریس اثر متقابل

نیروهای پیشرانی که در ماتریس اثر متقابل وارد می شود بر حسب امتیازی که کسب می کنند در یکی از نواحی نشان داده شده در شکل ۳ قرار می گیرند.

ناحیه یک به نیروهای پیشران راهبردی یا دووجهی تعلق دارد که به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل میکنند و در قسمت شمال شرقی نمودار قرار دارند. این نیروهای پیشران بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می گذارند، یعنی شاخصهای ناپایداری را تشکیل میدهند. نیروهای پیشرانی که بالای خط قطری این ناحیه قرار می گیرند، نیروهای پیشران ریسک نامیده می شوند. نیروهای پیشرانی که زیر خط قطری این ناحیه قرار می گیرند نیروهای پیشران «هدف» نامیده میشوند که این نیروهای پیشران تغییرات تکاملی سیستم را در پی خواهند داشت. با این توصیف، نیروهای پیشرانی را که تأثیر بالایی دارند، ولی قابلکنترل نیستند، به عنوان نیروی

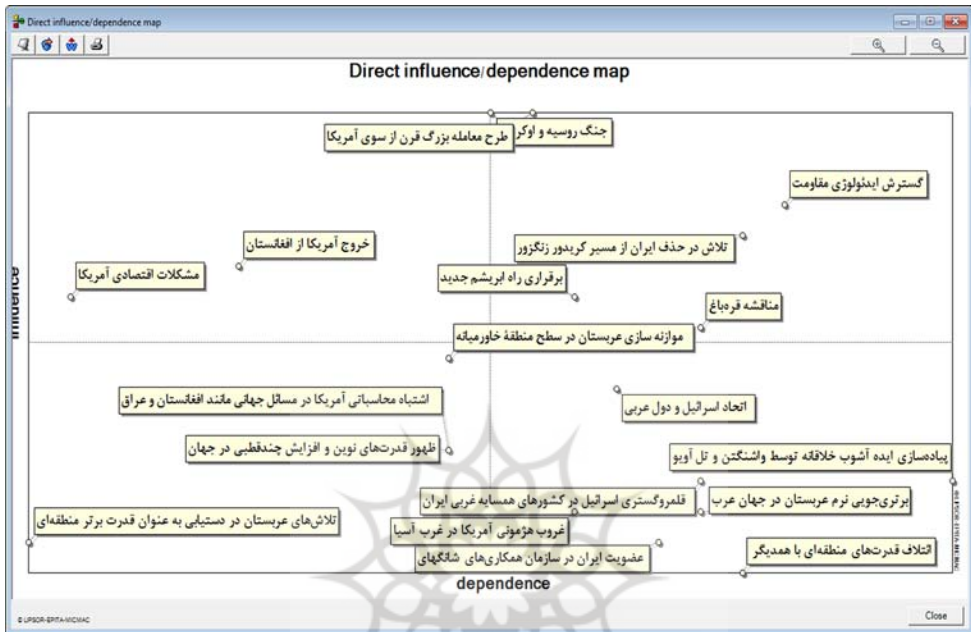
پیشران راهبردی محسوب میشوند. برنامه‌ریزان به‌ندرت توانایی تغییر در نیروهای پیشران قرار گرفته در ناحیه دو را دارند. این نیروهای پیشران در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. به‌عنوان بحرانیترین و اصلیتیرین نیروی پیشران، بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند و نیروهای پیشران ورودی محسوب میشوند. نیروهای پیشران محیطی عموماً در این قسمت قرار می‌گیرند که توسط سیستم قابل کنترل نیستند.



شکل ۳. نواحی چهارگانه در نرم افزار میک مک

متغیرهای ناحیه سه شبکه مختصات، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمیتوانند نیروهای پیشران راهبردی محسوب شوند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار می‌گیرند و متغیرهای مستقل و مستثنی نامیده میشوند. این نیروهای پیشران از سایر نیروهای پیشران سیستم تأثیر نمی‌پذیرند، بر آن‌ها اثر هم ندارند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند. نیروهای پیشران ناحیه چهار نیز به دلیل وابستگی شدید به سایر نیروهای پیشران خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر از سایر نیروهای پیشران منتج می‌شوند. اما نیروهای پیشران ناحیه یک نیروهای پیشران راهبردی هستند، زیرا هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم، تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. هرچه از انتهای ناحیه سه به سمت انتهای ناحیه یک شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، بر میزان اهمیت و راهبردی بودن نیروی پیشران افزوده میشود. شکل ۴ موقعیت

قرارگرفتن هر نیروی پیشران را با توجه به نمره کسب شده توسط خبرگان نشان می دهد.



شکل ۴. موقعیت قرارگرفتن هر نیروی پیشران با توجه به نمره کسب شده توسط خبرگان

بر مبنای خروجی نقشه اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم نیروهای پیشران، نیروهای پیشران قرار گرفته در ناحیه یک شامل شش نیروی پیشران طرح معامله بزرگ قرن از سوی آمریکا، جنگ روسیه و اوکراین، برقراری راه ابریشم جدید، مناقشه قره‌باغ، تلاش برای حذف ایران از مسیر راه‌گذر زنگزور و گسترش ایدئولوژی مقاومت است که در این ناحیه، نیروهای پیشران راهبردی قرار می‌گیرند. این نیروهای پیشران بسیار تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. این نیروهای پیشران همان نیروهای پیشرانی هستند که در پژوهش به دنبال شناسایی آن‌ها بودیم و براساس نظر خبرگان تا افاق ۱۴۰۷ در شکل‌دهی نظم نوین منطقه جنوب غرب آسیا بالاترین امتیازها را دارند. از بین این نیروهای پیشران، نیروی پیشران جنگ روسیه و اوکراین به‌عنوان نیروی پیشران دوگانه شناسایی می‌شود که هم می‌تواند بر نظم مورد نظر اثر بگذارد و هم اثر بپذیرد.

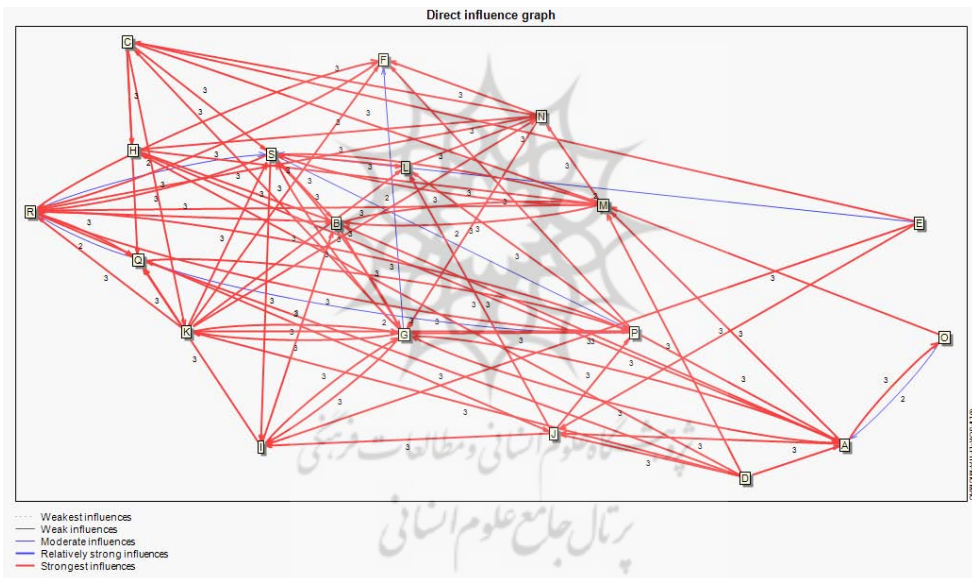
نیروهای پیشران خروج آمریکا از افغانستان و مشکلات اقتصادی آمریکا در ناحیه دوم نمودار

قرار گرفته‌اند یعنی این نیروهای پیشران به‌عنوان نیروهای پیشرانی شناخته می‌شوند که بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند و نیروهای پیشران ورودی محسوب می‌شوند، این نیروهای پیشران بر سایر نیروهای پیشران شناسایی شده اثر می‌گذارند. نیروهای پیشران موازنه‌سازی عربستان در سطح منطقه خاورمیانه، اشتباه محاسباتی آمریکا در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق، ظهور قدرت‌های نوین و افزایش چندقطبی در جهان و تلاش‌های عربستان در دستیابی به‌عنوان قدرت برتر منطقه‌ای در ناحیه سوم (جنوب غربی) شبکه مختصات قرار گرفته‌اند که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نیروهای پیشران راهبردی محسوب نمی‌شوند. این نیروهای پیشران، به‌عنوان نیروهای پیشران مستقل و مستثنی نامیده می‌شوند. این نیروهای پیشران از سایر نیروهای پیشران شناسایی شده تأثیر نمی‌پذیرند، بر آن‌ها اثر هم ندارند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند.

نیروهای پیشران اتحاد اسرائیل و دولت‌های عربی، قلمروگستری اسرائیل در کشورهای همسایه غربی ایران، غروب هژمونی آمریکا در غرب آسیا، برتری جویی نرم عربستان در جهان عرب، عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ائتلاف قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر و پیاده‌کردن ایده آشوب خلاقانه توسط واشینگتن و تل آویو در ناحیه چهارم (جنوب شرقی) نمودار قرار گرفته‌اند. این نیروهای پیشران وابستگی شدیدی به سایر نیروهای پیشران دارند و به‌عنوان نیروهای پیشران وابسته سیستم تلقی می‌شوند. نوزده نیروی پیشران شناسایی شده هرکدام با توجه به تعاریفی که مطرح شد ویژگی‌های سیستمی خاص خود را دارند و در این بین شش نیروی پیشران شناسایی شده در ناحیه اول نمودار از بالاترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در سیستم بر اساس تحلیل‌های ماتریس متقارن خروجی از نظرات خبرگان برخوردار هستند.

در گراف تأثیرات مستقیم نیروهای پیشران، تأثیرات متقابل نیروهای پیشران یا بازیگران دخیل بر نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افاق ۱۴۰۷ نمایش داده می‌شود. همان‌گونه که این تصویر نیز نشان می‌دهد، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده حاصل از محاسبات نرم‌افزاری، طرح معامله بزرگ قرن از سوی آمریکا، جنگ روسیه و اوکراین، مناقشه قره‌باغ، تلاش در حذف ایران از مسیر راه‌گذر زنگزور، گسترش ایدئولوژی مقاومت و برقراری راه ابریشم جدید، قوی‌ترین اثرگذاری را بر شیوه و سطح بازیگری سیستم دارند، اگرچه در این میان عواملی مانند تلاش در حذف ایران از مسیر راه‌گذر زنگزور، گسترش ایدئولوژی مقاومت بر موضوع مورد پژوهش تأثیرگذاری زیادی دارد. خروج آمریکا از افغانستان و مشکلات اقتصادی آمریکا نقش بازیگری مؤثر بر موضوع پژوهش نداشته و

هیچ‌گونه تأثیری بر سایر نیروهای پیشران و اثرات متقابل مستقیمی نسبت به سایرین ندارد. اتحاد رژیم اسرائیل و دولت‌های عربی، قلمروگستری این رژیم در کشورهای همسایه غربی ایران، غروب هژمونی آمریکا در غرب آسیا، برتری جویی نرم عربستان در جهان عرب، عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ائتلاف قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر و پیاده‌سازی ایده آشوب خلاقانه توسط واشینگتن و تل‌آویو بیشترین تأثیرپذیری را در میان عوامل اصلی و نیروهای پیشران احصاشده به خود اختصاص داده‌اند که در این میان عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ائتلاف قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر و پیاده‌سازی ایده آشوب خلاقانه توسط واشینگتن و تل‌آویو با بیشترین تأثیرپذیری روبه‌رو است.



شکل ۵. گراف تأثیرات مستقیم نیروهای پیشران

نتیجه

هندسهٔ نظم نوین جهانی منظومه‌ای هنجاری، ساختاری و تشکیلاتی است که الگوی زیستن دولت‌ها و ملت‌ها را تعیین می‌کند و تضمین آن در زمرهٔ ضمانت اجرای سیستم یا نظامی قرار خواهد گرفت که پشتوانهٔ ایجاد و حفظ این منظومه را تشکیل می‌دهند. از ویژگی‌های

جهان سیاست کنونی این است که هر از گاهی شاهد پیدایش رهنامه‌ها و پارادایم‌های نوظهوری هستیم که آثار و پیامدهای گوناگونی در دیدگاه‌ها و همچنین در جهت‌گیری اعمال و برخوردها دارد و از این نمونه‌ها، بحث پرجاذبه هندسه نظم نوین جهانی است. از تحولات نظام بین‌الملل می‌توان فهمید که در هر دوره از تاریخ، نوعی نظم خاص بر نظام بین‌الملل حاکم بوده است. از میان دوره‌های زمانی که موجب بروز تغییر و تحول در برقراری نظم جدید در جهان شده، قرن بیستم به دلایلی، مهم و مورد توجه بوده است. قرن بیستم اغلب شاهد تغییرات مهمی در جهان بود که ترتیبات راهبردی و نظم سیاسی بین‌الملل را دچار دگرگونی کرد.

در این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهانه به دنبال شناسایی و تبیین سه دسته نیروی پیشران بودیم: دسته نخست، نیروهای پیشران پیشین شکل‌دهنده نظم در منطقه جنوب غرب آسیا به‌شمار می‌آیند که شامل ۲۴ عامل اصلی تشکیل‌دهنده نیروهای پیشران هستند؛ دسته دوم، نیروهای پیشران کنونی شکل‌دهنده نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا هستند. در این پژوهش در این بخش تعداد ۳۲ عامل اصلی تشکیل‌دهنده نیروهای پیشران را شناسایی کردیم. دسته سوم، مربوط به نیروهای پیشرانی هستند که به‌عنوان نیروهای پیشران مؤثر شکل‌دهنده هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا تا افق ۱۴۰۷ به‌شمار می‌آیند که ۱۹ نیروی پیشران هستند. در خصوص دسته سوم با بهره‌گیری از نرم‌افزار آینده‌پژوهی می‌مک و ماتریس تحلیل اثر متقابل مؤثرترین نیروهای پیشران نیز شناسایی شد که شامل شش نیروی پیشران طرح معامله بزرگ قرن آمریکا، جنگ روسیه و اوکراین، برقراری راه ابریشم جدید، مناقشه قه‌باغ، تلاش برای حذف ایران از راه‌گذر زنگزور و گسترش ایدئولوژی مقاومت بود. با توجه به اینکه نیروهای پیشران و عوامل اصلی از بخش‌های حیاتی و مهم فرایند سناریونویسی هستند در ادامه پیشنهادهای زیر را می‌توان مطرح کرد:

- در رابطه با پژوهش‌های آینده، موضوع پژوهشی در مورد سناریوهای فراروی هندسه نظم نوین در منطقه جنوب غرب آسیا می‌تواند عنوان خوبی برای ارائه باشد.

- با توجه به شناسایی و تعیین سه دسته نیروهای پیشران در این پژوهش، به‌کارگیری و بهره‌برداری از آن‌ها می‌تواند عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، آمریکای لاتین و شمال آفریقا را توسعه ببخشد.

- یافته‌ها و پیامدهای حاصل از این پژوهش می‌تواند منجر به جلوگیری از تحلیل غلط و رفتن در مسیر اشتباه شود.

References

- Abdollahian, M., & Boroujerdi, M. (2022). Components and foundations of Saudi Arabia's desirable Regional order in West Asia (2020-2015)., 14(50), 95-116. doi: 10.30495/pir.2022.1956305.3484, [In Persian].
- Anderson, Tim (2020) Axis of Resistance: Towards an Independent, Middle East, Clarity Press, Inc.
- Asadi, A. A. (2018). Saudi Arabia and Regional order: from Hegemony to Balancing. Contemporary Political Studies, 9(3), 27-52. doi: 10.30465/cps.2018.3425, [In Persian].
- Del Sarto, R. A., Malmvig, H., & Lecha, E. (2019). "Interregnum: The Regional Order In The Middle East And North After 2011," Middle East and North Africa Regional Architecture: Mapping Geopolitical Shifts, Regional Order and Domestic Transformations.
- Doost Mohammadi A, al-Ghaban M. Islamic awakening in Western Asia and North Africa and United States' Reaction. Journal of Islamic Revolution Studies 2015; 12 (41), 109-130, [In Persian].
- Gordon, Theodore. (1994), Trend Impact Analysis, AC/UNU Millennium project.
- Ghahramanpour, R. (2019), Competition of regional orders in West Asia: the ideal order of Iran, Saudi Arabia and Turkey, Tehran: Abrar Contemporary International Studies and Research Institute of Tehran, [In Persian].
- Gohari Moghadam, A. & Bashiri Lahaghi, M. (2016), Application of convergence theories in the design of the regional convergence model in the neighborhood of the Islamic Republic of Iran, Political Science, 13(1), 71-98, [In Persian].
- Haji Mina, R. & Sabohi, M. (2012). A comparative study of the approach of Iran and Turkey towards the Arab Spring; A case study of Tunisia, Egypt and Libya. Foreign Relations Quarterly, 5(4), 133-99, [In Persian].
- Jalali, R., & Majd, M. (2016). New World Order and Its Impact on the Middle

- East Region between 1991 and 2000. Research Letter of International Relations, 9(34), 43-64, [In Persian].
- Kuehn T. (2021), Bringing the imperial back in: Reconsidering governance in the late Ottoman Empire, 1839–1923, London, published by Wiley, Volume 19, Issue 8.
- Kurşun, A. M. (2019). Deconstructing the Sykes-Picot Myth: Frontiers, Boundaries, Borders and the Evolution of Ottoman Territoriality. All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace, 9 (1), 83-104.
- Kazembeigi, M.A. (2013). Relations between Iran and Denmark (from the beginning to the Islamic Revolution), Foreign Relations Quarterly, 15(58-59), 251-282, [In Persian].
- Loimi, Kh. Kariminia, M.M. and Ansari M.M. (1400), Analysis of the role of the new world order in the Middle East, Journal of Contemporary Research in Science and Research, Volume 3, Number 27, 1-13, [In Persian].
- Matta S., Appleton S., Bleaney M. (2019). The Impact of the Arab Spring on the Tunisian Economy, The World Bank Economic Review, Volume 33, Issue 1, Pages 231–258.
- Malmvig, H., Jordi, Q. & Eduard, S. L. (2016). “The Contemporary Regional Order”, the Analytical Framework of the MENARA Project”, in MENARA Methodology and Concept Papers, No. 1 (November), pp. 33-55.
- Mohammadi zia, A., & sotode, M. (2018). The United Strategy and the Regional Order of the Middle East: From Classic Hegemony to Moderate Hegemony , 9(33), 151-175, [In Persian].
- Moulai, M.M; Talebian, H., 2014, futures studies of Iran’s issues with structural analysis method, Majles and Strategy Quarterly, 23rd year, number 86, [In Persian].
- Pedram, A., & Zali, S. (2018). A New Framework for Scenario Development to Strategic Issues; a Case-Study of Syria Crisis` Future Scenarios. political

studies of Islamic world, 7(2), 1-26. doi: 10.30479/psiw.2018.1458, [In Persian].

Shemshadi, A.K (2013), Islamic awakening of Muslim nations and regime change in Arab countries, Habal al-Matin, 3(6), 111-126, [In Persian].

Schwartz, Peter. (2012), The Art of Foresight: Planning for the Future in a World of Uncertainty, Translated by Aziz Alizadeh, First Edition, Tehran: Defense Science and Technology Future Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute, [In Persian].

Salahi, S. (2016). Areas of Confrontation between Islamic Republic of Iran and the U.S in the West of Asia and their Impact on the New International Order. Soft power Studies, 6(2), 114-134, [In Persian]

